جنایت، انتقام‌گیری و سرقت مسلحانه همگی در یک پرونده

سردار علیرضا لطفی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ، از دستگیری متهمان پرونده سرقت مسلحانه‌ای خبر داد که چند روز گذشته و طی سرقت از منزلی در خیابان ظفر، با شلیک گلوله صاحبخانه را به قتل رسانده بودند. سردار علیرضا لطفی در توضیح این خبر گفت: ساعت ۱۰:۳۰ روز جمعه ۲۳ فروردین از طریق مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ سرقت منزلی همراه با تیراندازی در خیابان ظفر – خیابان دانشور به کلانتری ۱۰۳ گاندی اعلام شد؛ با حضور مأموران در محل مشخص شد مردی حدودا ۶۰ ساله با سر و صورت خون‌آلود در راه پله‌های مابین طبقات اول و دوم در یک مجتمع مسکونی ۵ طبقه از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفته و فوت نموده است. با اعلام خبر وقوع جنایت به پلیس آگاهی تهران بزرگ، کارآگاهان اداره دهم ویژه قتل پلیس آگاهی، تیم تشخیص هویت و قاضی کشیک دادسرای امور جنایی در محل حاضر شده؛ پرونده مقدماتی با موضوع قتل عمد تشکیل و تحقیقات جهت شناسایی عاملان جنایت در دستور کار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

■ اظهارات همسر مقتول

با حضور کارآگاهان در محل، بلافاصله تحقیقات از همسر مقتول به عنوان شاهد اصلی جنایت در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت؛ همسر مقتول در اظهاراتش به کارآگاهان گفت: به همراه همسرم قصد خارج شدن از خانه را داشتیم که صدای زنگ واحد به صدا درآمد؛ شخصی که لباس آبی رنگی به تن داشت، خودش را مأمور اداره آب معرفی کرد و من نیز درب آپارتمان را برایش باز کردم؛ مرد جوانی عنوان داشت که با همسرم کار داد؛ این شخص کاملا همسرم را می‌شناخت، به دلیل آنکه پس از اطلاع از حضور همسرم عنوان داشت که به آقای باستانی بگویید بیاد دم درب منزل. من هم همسرم را صدا زدم، اما به محض حاضر شدن همسرم در مقابل درب آپارتمان، ناگهان دو نفر مرد جوان با اسلحه و شوکر به او حمله ور شده و وارد آپارتمان شدند؛ در هنگام ورود، آن‌ها همسرم را با شوکر زدند و او بی‌حال روی مبل افتاد؛ در حالیکه همسرم از ناحیه سر دچار خونریزی شدیدی شده بود، این دو نفر به من گفتند که هرچه طلا و پول داری باید به ما بدهی و من نیز از ترس جان خود و همسرم به داخل اتاق رفته و کیف حاوی طلاجات را به آن‌ها تحویل دادم. همسر مقتول در ادامه اظهاراتش به کارآگاهان گفت: به محض خارج شدن سارقین مسلح از داخل خانه، همسرم به دنبال آن‌ها بیرون رفت و با فریاد "دزد – دزد" از همسایه‌ها درخواست کمک کرد که متعاقب آن صدای تیراندازی شنیدم؛ همسرم را خون‌آلود روی پله‌ها دیدم که روی زمین افتاده بود که بلافاصله از همسایه‌ها درخواست کمک کردم، اما همسرم فوت کرده بود. کارآگاهان در ادامه تحقیقات اطلاع پیدا کردند که مقتول، به نام محمود باستانی (۶۲ ساله) است که برابر اظهارات همکارانش تا سال ۱۳۹۲ به عنوان مدیر بیمارستان فیروزگر مشغول به کار بوده و از سال ۱۳۹۲ به بعد به عنوان مشاور عالی مشغول به کار بوده است؛ برابر اظهارات همکاران، همسایگان، دوستان و اعضای خانواده محمود باستانی، ایشان فردی بسیار آرام بودند که در بسیاری از مواقع نسبت به کمک رسانی به افراد نیازمند به ویژه بیماران نیازمند نیز فعالیت مستمر و مؤثر داشتند. با انجام اقدامات ویژه پلیسی، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی توانستند در کمتر از ۲۴ ساعت نسبت به شناسایی هویت عاملان جنایت اقدام نمایند. در اولین مرحله از دستگیری سارقان مسلح، کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی با شناسایی مخفیگاه احدی از متهمان به نام مهرداد. م. (۲۶ ساله) در منزل پدرش در خیابان مطهری، در ساعت ۱۸:۰۰ روز یکشنبه ۲۵ فروردین موفق به دستگیری او شده و در بازرسی از مخفیگاهش تمامی طلاجات مسروقه نیز کشف شد. مهرداد در همان تحقیقات اولیه، صراحتا به سرقت مسلحانه منجر به جنایت اعتراف کرد و عنوان داشت که دو نفر از دوستانش به نام حمید (۲۷ ساله) و مرتضی (۳۵ ساله) نیز در قتل و سرقت مسلحانه حضور داشتند. مهرداد در ادامه اعترافاتش به کارآگاهان عنوان داشت: به درخواست خانم جوانی به نام حمیده اقدام به این کار کرده است؛ وی پس از انتقال به اداره دهم پلیس آگاهی در اعترافاتش به کارآگاهان گفت: حدود یک سال قبل در ایستگاه مترو با خانمی آشنا شدم که پس از مدتی متوجه شدم نام واقعی‌اش حمیده است؛ ابتدا به صورت تلفنی با هم ارتباط داشتیم؛ او چندین بار به من گفته بود که می‌توانم کسی را برایش بکشم یا نه؟ و من نیز به او گفتم باید فکر کنم؛ بعد از چند ماه قبول کردم و به او گفتم باید ۱۰ میلیون تومان پول پرداخت کند و او نیز قبول کرد؛ چند ماهی با او ارتباط نداشتم؛ چون ترسیده بودم تا اینکه پیش از عید امسال (۱۳۹۸) به من پیام داد و در ادامه به او گفتم که باید همدیگر را ببینیم تا سر قیمت با هم صحبت کنیم؛ در ایستگاه مترو همدیگر را ملاقات کردیم و گفت: برای کشتن یا مادر و دختر مبلغ ۳۰ میلیون تومان می‌دهد؛ من اصلا این دو خانم را نمی‌شناختم؛ همان شب به همراه حمیده به شهرک اکباتان رفتیم و او خانه‌ای را به من نشان داده و گفت: این منزل مادرِ خانم... است؛ روز بعد نیز مرا به منزلی در میرداماد (محل جنایت) برد و گفت: اینجا نیز باید خانم... (همسر مقتول پرونده) را به قتل برسانی. یک بار برای ارتکاب قتل رفتم، اما ترسیدم و فرار کردم؛ به دروغ به حمیده گفتم که قتل را انجام دادم و یک عکس هم از درب خانه خانم... برای حمیده فرستادم، اما نمی‌دانم حمیده از کجا فهمید که دروغ می‌گویم. مهرداد در خصوص انگیزه سرقت و نحوه همراه کردن یکی از دوستانش به نام حمید با خود به کارآگاهان گفت: حمیده بارها در صحبت‌هایش عنوان کرده بود که خانم... و همسرش شرایط مالی بسیار خوبی دارند و طلاجات زیادی را در خانه نگهداری می‌کنند و علاوه بر پولی که از کشتن خانم... و مادرش به دست می‌آوریم، می‌توانیم طلاجات زیادی را نیز سرقت کنیم. موضوع را از چند روز قبل، با یکی از دوستانم به نام حمید که قبلا در یک شرکت با هم همکار بودیم در میان گذاشته و او هم قبول کرد؛ به او گفته بودم که ما کسی را نمی‌کشیم و فقط برای سرقت طلاجات می‌رویم و خانم... را نیز مخفی می‌کنیم تا پول دستمزدمان را از حمیده بگیریم و بعد از گرفتن پول، خانم... را نیز رها می‌کنیم و حمید هم قبول کرد.

مهرداد در خصوص همراه شدن یکی دیگر از دوستانش به نام مرتضی در سرقت مسلحانه منجر به جنایت به کارآگاهان گفت: به راننده و ماشین نیاز داشتیم؛ به همین علت با مرتضی که از قبل دوست بودم تماس گرفتم؛ به مرتضی گفتم که برای سرقت مسلحانه نیاز به ماشین و راننده داریم؛ ابتدا قبول نکرد، ولی بعد از اینکه با او صحبت کردم قرار شد تا ۵ میلیون تومان به او بدهیم و پس از آن، قبول کرد. مهرداد در خصوص روز سرقت مسلحانه منجر به جنایت و قتل همسر خانم... (مرحوم محمود باستانی) نیز به کارآگاهان گفت: یک روز قبل از روز جنایت همه چیز را با حمیده هماهنگ کرده بودم؛ ساعت ۰۴:۳۰ صبح روز جمعه ۲۳ فروردین از خواب بیدار شدم و راه افتادم؛ ساعت ۵ صبح در سه راه گوهردشت مرتضی به دنبالم آمد؛ سوار ماشین شدیم و رفتیم ونک. حمید هم آمده بود؛ او را هم سوار کردیم و به سمت خانه مقتول رفتیم. چند ساعتی همان اطراف بودیم تا اینکه من و حمید تحت پوشش مأمور آب به درب ساختمان (مجتمع) رفته و پس از معرفی خود به عنوان مأمور آب، ساکنان ساختمان نیز درب مجتمع را برایمان باز کردند. به همراه حمید به طبقه پنجم ساختمان رفتیم؛ هر کدام یک اسلحه کمری داشتیم؛ من کنار درب آپارتمان ایستادم و حمید زنگ زد؛ خانم... در را باز کرد؛ حمید گفت: با آقای باستانی (مقتول) کار دارد؛ زمانی که مقتول به در آپارتمان مراجعه کرد با شوکر به او حمله کردم؛ مقتول چند قدم عقب رفت و پایش به میز گیر کرد و افتاد روی مبل؛ از حال رفته بود و تکان نمی‌خورد، ولی هنوز نفس می‌کشید. حمید به خانم... گفت: هر چه طلا و پول‌داری بردار بیار؛ زمانی که از خانه خارج شدیم ناگهان متوجه شدیم که مقتول پشت سر ماست و فریاد می‌زد دزد – دزد و از همسایه‌ها درخواست کمک می‌کرد؛ مقتول با من درگیر شد و نمی‌گذاشت که فرار کنم؛ اسلحه را به طرفش گرفتم و تیر اول را زدم و در ادامه تیر دوم را شلیک کردم. گلوله به سر مقتول اصابت کرد؛ مقتول روی زمین افتاد و من هم فرار کردم. رفتیم پایین سوار ماشین مرتضی شدیم؛ به سمت فلکه دوم صادقیه رفتیم و حمید اسلحه خودش را داخل کانال آب صادقیه‌انداخت و در میدان آزادی از ما جدا شد؛ من با مرتضی به طرف خانه رفتیم و من نیز اسلحه خودم را در کانال آب فردیس‌انداختم و طلاها را نیز با خانه خودم بردم.حمیده در اظهاراتش منکر هرگونه آشنایی با متهمان پرونده شده، اما شواهد و دلایل به دست آمده صراحتا مشارکت وی در این پرونده را تأیید می‌کند؛ همچنین خانم... (همسر مقتول) نیز با اطلاع از نقش حمیده در پرونده عنوان داشت که سال‌ها پیش او و مادرش با حمیده اختلاف شدیدی داشته‌اند.

دستگیری عامل تهدید به بمب‌گذاری در یکی از بانک‌ها

فردی که ظهر دوشنبه در یکی از بانک‌ها تهدید به بمب‌گذاری کرده بود، بازداشت شد. به گزارش میزان، سردار کیوان ظهیری درباره جزئیات این خبر اظهار کرد: ساعت ۱۰:۴۰ دوشنبه به ۱۱۰ اعلام شد خانمی میانسال با حضور در بانکی در چهارراه فرمانیه تهدید به بمب‌گذاری می‌کند که به سرعت چند تیم از ماموران کلانتری۱۲۳ نیاوران به همراه سرکلانتر یکم پلیس پیشگیری در محل حاضر شدندرئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ خاطرنشان کرد: با حضور ماموران در محل حادثه و طی بررسی‌های اولیه مشخص شد خانم با یک ساک دستی وارد بانک شده و به سراغ رئیس بانک رفته و حین حضور نزد وی، بسته‌ای پیچیده شده با نوار چسب، چراغ چشمک‌زن، سیم و باطری و ریموت را از داخل ساک خارج و تهدید کرده که در صورت عدم انجام خواسته‌وی،اقدام به‌انفجار بسته‌می‌کند. وی افزود: این زن از رئیس بانک تقاضای ۲۲هزار دلار کرده بود و همراه خودش نارنجک و کلت نیز به همراه داشت. سردار ظهیری با اشاره به حضور تیم‌های تخصصی پلیس در محل حادثه، متذکر شد: ماموران پس از انجام اقدامات اولیه، وارد بانک شدند و خانم را دعوت به آرامش کردند، سپس در فرصت مناسب و با تیزهوشی موفق به دستگیری وی شدند و بسته مذکور را از دست این زن خارج کردند. رئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ ادامه داد: با دستگیری این خانم ۵۴ساله و بررسی‌های تکمیلی مشخص شد بسته مذکور حاوی مقداری سنگ بوده و به‌هیچ‌وجه چاشنی و مواد منفجره به همراه نداشته بود. همچنین مشخص شد کلت و نارنجک همراه وی نیز قلابی بوده و قابلیت شلیک و انفجار نداشته است.وی تصریح کرد: در نهایت ماموران اقدامات تخصصی بیشتر را داخل بانک انجام داده و متهم برای تحقیقات بیشتر به مقر انتظامی منتقل شدرئیس پلیس پیشگیری تهران بزرگ یادآور شد: متهمه در تحقیقات اولیه انگیزه‌اش از انجام این کار را تهیه پول برای سفر به خارج از کشور عنوان کرد.

سارقان شیشه‌ای در دام پلیس

رئیس کلانتری ۱۶۹ مشیریه از دستگیری سه سارق حرفه‌ای منازل خبر داد که با استفاده از شمشیر یکی از مالباخته‌ها را به شدت مجروح کرده بودند. به گزارش باشگاه خبرنگاران، سرهنگ سیدامین موسوی پور، رئیس کلانتری ۱۶۹ مشیریه گفت: سه سارق حرفه‌ای منازل که با استفاده از شمشیر، یکی از مالباخته‌ها را به شدت مجروح کرده و وی را حدودا ده الی دوازده متر روی زمین کشانده بودند توسط تیم عملیات کلانتری ۱۶۹ مشیریه شناسایی و بازداشت شدند. رئیس کلانتری ۱۶۹ مشیریه افزود: حسب اطلاعات واصله مبنی بر فعالیت باند سارقان منازل در سطح حوزه استحفاظی موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی ادامه داد: با توجه به حساسیت موضوع، تیم‌های عملیات کلانتری در نقاط آلوده شناسایی شده، فعال شدند که طی تماس‌های مردمی با مرکز پیام پلیس ماموران گشت این کلانتری در جریان سرقتی با شیوه و شگرد همان باند سارقان مورد نظر قرار گرفتند که طی آن مقدار ۳۵میلیون تومان طلا، ۹میلیون تومان پول نقد و وسایل ارزشمند دیگر منزل به سرقت رفته بود. وی افزود: با حضور ماموران در محل، تحقیقات اولیه کلید خورد و مالباخته که مرد جوانی بود بیان داشت همسرش را برای زایمان به یکی از بیمارستان‌های نزدیک محل برده و برای بردن وسایلی به خانه بازگشته بود که با فردی غریبه و شمشیر به دست در پارکینگ خانه روبرو می‌شود که پس از سرقت وسایل خانه‌اش با ضرب و جرح وی از محل گریخته بودند. این مقام انتظامی در ادامه گفت: دوربین‌های مداربسته محل مورد بررسی قرار گرفت و مشخص شد سارقان از قبل در محل حضور داشتند و با زاغزنی این خانه را شناسایی کرده بودند، یکی از سارقان در خودروی ام. جی جلوی در پارکینگ ایستاده و دیگری داخل پارکینگ شده و در آنجا زاغزنی می‌کرده است. وی بیان داشت: نفر سوم نیز به همین ترتیب بعد از مطمئن شدن از خالی بودن سکنه به خانه مراجعه کرده و در حال سرقت بوده که مالباخته سر می‌رسد و با نفر دوم در پارکینگ روبرو می‌شود. مالباخته که قصد درگیری با نفر دوم را داشته است با شمشیر از ناحیه سر، صورت و کتف مجروح می‌شود و وقتی سارقان با برداشتن وسایل ارزشمند او قصد سوار شدن به خودروی نفر اول را داشتند مالباخته قصد می‌کند با گرفتن جلوی ماشین، مانع بردن وسایل ارزشمندش شود. سرهنگ موسوی‌پور ادامه داد: با این حال سارقان به مقدار ده الی دوازده متر مالباخته را نیز که قصد جلوگیری از فرار سارقان را داشت، روی زمین کشیدند تا جایی که مالباخته وسط خیابان رها شد و در تماس‌های مردمی با گشت کلانتری، ماموران به قید فوریت در محل حاضر شدند و تحقیقات خود را برای شناسایی سارقان کلید زدند که این بار پلاک خودروی ام. جی که متعلق به پدر یکی از متهمان بود شناسایی شد. وی اظهار داشت: بالاخره با هماهنگی قضائی تیم گشت عملیات کلانتری وارد عمل شده و زمانی که از حضور هر سه سارق در مخفیگاه شان باخبر شدند، سریعا به محل اعزام و هر سه نفر را طی یک عملیات پلیسی دستگیر کردند که مشخص شد هر سه سارق معتاد به مواد روانگردان از نوع شیشه هستند و هر سه نیز سوابق کیفری دارند. رئیس کلانتری ۱۶۹ مشیریه گفت: از مالباخته دعوت شد به کلانتری بیاید که در همان بدو ورود هر سه متهم را شناسایی کرد و مالباختگان دیگر نیز به کلانتری برای شناسایی متهمان فراخوانده شدند که تا به الان سه شاکی دیگر متهمان را شناسایی کرده‌اند و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

تعرض به دختر نوجوان دلیل قتل کارگر ساختمان

مرد افغانستانی که هم ولایتی خودش را به خاطر تعرض به دخترش کشته و جسدش را مثله کرده بود، در شعبه یکم دادگاه کیفری استان البرز محاکمه شد.به گزارش باشگاه خبرنگاران، رسیدگی به این پرونده از اردیبهشت سال ۹۲ به دنبال کشف بقایای جسد یک مرد در بیابان‌های حصارک کرج کلید خورد.خیلی زود کارآگاهان جنایی در محل کشف جسد حضور یافتند و دیگر بقایای جسد را در گوشه و کنار همان محل پیدا کردند. در نخستین تحقیقات، شماره تماس فردی به نام گل محمد در جیب لباس مقتول پیدا شد که می‌توانست تنها سرنخ این جنایت مرموز و تکان دهنده باشد.چندی بعد با ردیابی‌های پلیسی گل محمد بازداشت شد، اما ادعا می‌کرد قربانی را نمی‌شناسد، اما پس از تحقیقات بیشتر لب به اعتراف گشود و پرده از راز جنایتش برداشت... او به کارآگاهان گفت: مدتی بود که من و احمد - مقتول- با هم رفت وآمد داشتیم تا اینکه یک روز متوجه شدم او به دخترم تجاوز کرده است. خون جلوی چشمانم را گرفته بود، برای همین به سراغش رفتم و در جریان درگیری او را با چاقو کشتم و برای اینکه هیچ اثری از او نماند جسدش را با چاقوی قصابی تکه تکه و در بیابان رهایش کردم. به دنبال اظهارات این متهم او به اتهام قتل عمد بازداشت شد، اما از آنجا که خانواده مقتول شناسایی نشدند رسیدگی به پرونده بلاتکلیف ماند تا اینکه سرانجام با درخواست قصاص از سوی معاون قوه قضائیه پرونده به جریان افتاد و متهم در شعبه یکم دادگاه کیفری البرز به ریاست قاضی هدایت رنجبر و یک مستشار پای میز محاکمه ایستاد. گل محمد از زندان به شعبه یکم منتقل شد و در شرح ماجرا به قضات دادگاه گفت: من و احمد هر دو کارگر ساختمانی بودیم. او در ایران کسی را نداشت، ماجرا از وقتی شروع شد که مرحوم به خانه ما رفت و آمد پیدا کرد تا اینکه متوجه شدم او به دختر نوجوانم تعرض کرده است با اطلاع از موضوع به سراغش رفتم و با هم درگیر شدیم و او را کشتم.

قاضی: چرا شکایت نکردی؟

متهم: نمی‌دانم آنقدر عصبی و پریشان حال شدم که نمی‌توانستم به کاری جز کشتنش فکر کنم، او نمک خورد و نمکدان شکست و به من و خانواده‌ام بی‌حرمتی کرد باید کشته می‌شد. برای همین خودم دست به کار شدم.... اما حالا که ۶ سال از این ماجرا گذشته پشیمانم باید او را تحویل قانون می‌دادم. در این مدت هم خودم و هم خانواده‌ام بدبخت شده‌ایم.

جدول شماره ۵۴۳۳

افقی

۱- از صفات باریتعالی - زمینی ۲- خویشاوندی‌ها - با هوش - پدر شعر نو ۳- نوعی ترشی - مقابل پایین - کتاب شاعر ۴- فرشته‌ای در دین زرتشت- ضمیر مفعولی - طرز و عادت ۵- فرمان خودرو - کباب شده - پیروزی ورزشی- ضمیر درون ۶- مرده - مثنوی عرفانی از عطار ۷- نوعی نی که در آب می‌روید- الفبای موسیقی - نابودی - صدا ۸- مدد کار- نمایشنامه رادیویی ۹- نصف- دانه خوراکی گرد دانه - کنده کاری روی چوب - عیش مطلوب ۱۰- اسباب سفر - خورشید ۱۱- اسب آذری- تیم فوتبال فرانسوی- فرومایگی - عید ویتنامی‌ها ۱۲- پای افزار، کفش - یار "رامین"- افترا و تهمت ۱۳- تنگدستی -حاکم‌ولایت- مارک مشهور و معتبر ۱۴- گروهی تحقیقاتی با ماموریت معین - قدرت و توان - پرهیزکاران ۱۵- آهسته عامیانه-ورزشگاهی در تبریز

عمودی

۱ - لقب باقر خان از سرداران مشروطه- اجناس ۲- نوعی برادر - ظرف کوچک آبخوری- کافر دانستن کسی ۳- مخفف استاد - ویران کردن - زبانه آتش ۴- سریالی از داریوش فرهنگ- داستان و قصه- ذره تجزیه ناپذیر ۵- سرچشمه زندگی - مبدل جریان برق- جمع راس ۶- کلام ضرورت - پیامبر تورات - وسیله نوشیدن مایعات ۷- ماتم زده - هر فصل کتاب - پروتئین گیاهی ۸- سال ترکی - چالک وسط شکم- لباسی سنگین - گندم کوبیده ۹- سنگ ترازو - فام- گفتگوهای فیلم ۱۰- دفاع فوتبال- دعایی مشهور- بسیار ضروری ۱۱- ثروتمند - مطلبی را با آب و تاب خواندن - امر آوردن ۱۲- فوری- هلاک - لنگه به لنگه ۱۳- منسوب به ریه - فیلتر هوا - قلم حکاکی ۱۴ - کفالت - پیشوایی- جد ۱۵- شهر بزرگ میانمار (برمه)- پایتخت‌هلند

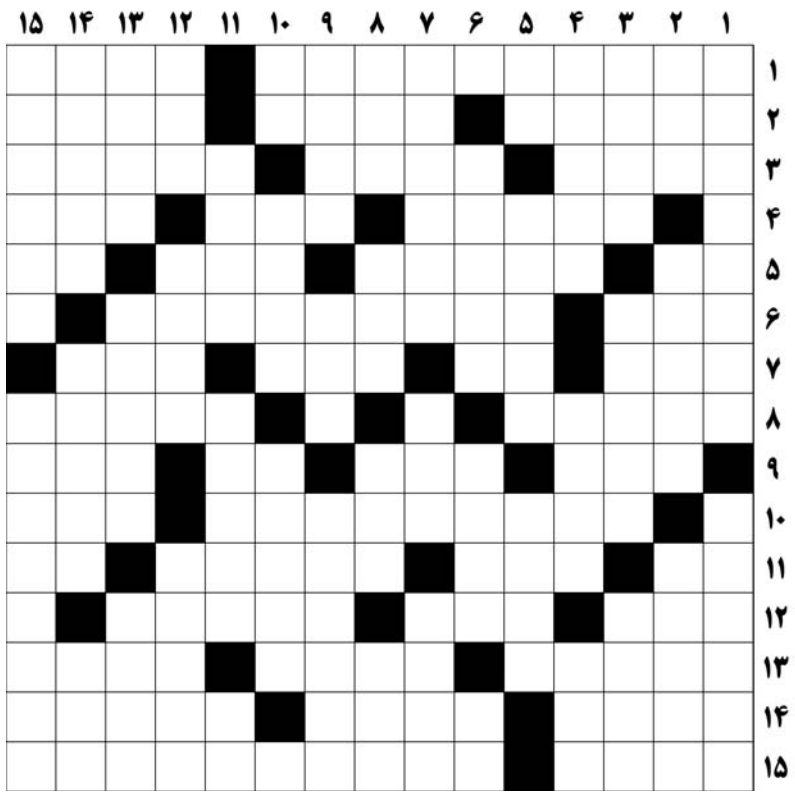

پاسخ جدول شماره ۵۴۳۲

	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱	ب	ع	ک	م	ر	ت	م	■	ز	ا	غ	ر	د	ن	چ	۱
۲	ا	■	ش	و	ک	ل	ا	ف	■	م	ی	م	ر	■	ا	۲
۳	ز	م	■	ی	ب	ا	■	ک	س	ر	ا	پ	■	ا	ب	۳
۴	ا	ت	ل	ا	ی	■	گ	ر	ب	ی	ب	■	ر	ب	ک	۴
۵	م	ظ	ا	ن	■	ق	و	■	و	ه	■	ک	ا	ر	د	۵
۶	د	ا	ر	■	ت	د	ا	ی	س	■	چ	ی	ی	و	س	۶
۷	ن	ه	■	م	ک	ا	ت	■	■	ا	و	ه	ا	■	ت	۷
۸	■	ر	ی	ط	ا	س	ا	■	ل	و	ن	ا	ت	ا	■	۸
۹	پ	■	ک	ر	ی	ت	■	ا	و	ر	ا	ن	■	ب	خ	۹
۱۰	ه	ر	ا	و	ا	■	ت	ی	ا	ه	ن	■	ق	ا	ط	۱۰
۱۱	ل	ز	ی	د	■	ه	ا	■	ش	د	■	ف	ی	د	ر	۱۱
۱۲	و	ا	ک	■	ن	ت	ر	ا	ک	■	ا	ل	م	ا	ک	۱۲
۱۳	ا	ز	■	ر	و	ی	ک	ت	■	م	ا	د	ا	■	ر	۱۳
۱۴	ن	■	د	ت	ا	ک	■	ه	د	ا	م	ک	ت	■	د	۱۴
۱۵	ی	ه	ا	م	ر	ی	ش	■	ی	ت	ی	ت	ر	ف	ن	۱۵